

Bend

/bend/

معنی (فارسی)	معنی (انگلیسی)
خم کردن، خم شدن، پیچیدن	to (cause to) curve



کد ۱: خم کردن **بند**.
 کد ۲: **بنده** هیچوقت جلوی تو سر خم
 نمی کنم.

Bike

/baik/

معنی (فارسی)	معنی (انگلیسی)
دوچرخه، موتورسیکلت	a bicycle; a motorcycle



کد ۱: **باک** موتورسیکلت رو پر بنزین کن.
 کد ۲: من همیشه **با یک** دوچرخه میرم سر
 کار.

Blank

/blæŋk/

معنی (فارسی)	معنی (انگلیسی)
جای خالی، خالی	empty or clear

کد: جای خالی **پلنگ** در محیط زیست ایران وجود دارد.



Blood

/blʌd/

معنی (فارسی)	معنی (انگلیسی)
خون	the red liquid that is sent around the body by the heart

کد: ۱: **بِلاَد** (بلا ت) به جونم دستت خون اومده!؟

کد: ۲: در **بِلاَد** کفر خون رو میفروشن.



Bone

/bəʊn/

معنی (فارسی)	معنی (انگلیسی)
استخوان	any of the hard parts inside a human or animal that make up its frame

کد: با این **بُن** کالا به تیکه استخون هم بهت نمیدن.



Bony

/'boʊ.ni/

معنی (فارسی)	معنی (انگلیسی)
استخوانی	very thin

کد: باعث و **بانی** استخونی بودن این بچه سوء تغذیه است.



Bother

/ˈbɒð.ər/

معنی (فارسی)	معنی (انگلیسی)
اذیت کردن، دردسر، مزاحم	to annoy or cause problems for someone

کد ۱: اینقدر با در بازی نکن صدای اذیت می کنه.

کد ۲: با زر کردن اذیت کرد.



Brain

/breɪn/

معنی (فارسی)	معنی (انگلیسی)
مغز	the organ inside the head that controls thought, memory, feelings, and activity

کد: مغز مثل ابر شده داره ازش بارون میباره. 😊



Breathe

/bri:ð/

معنی (فارسی)	معنی (انگلیسی)
نفس کشیدن	to move air into and out of the lungs



کد: اگه آب بریزی تو دهنت نفس کشیدن برات سخت میشه.

Bring

/brɪŋ/

معنی (فارسی)	معنی (انگلیسی)
آوردن	to take or carry



کد: رفتم به رینگ فروشی یه رینگ آوردم.

Burn up

/bɜːn ʌp/

معنی (فارسی)	معنی (انگلیسی)
سوزاندن	to be on fire, or to produce flames

کد: این برنارد چه آتیشی می سوزونه.



Calorie

/'kæl.ə.i/

معنی (فارسی)	معنی (انگلیسی)
کالری	a unit of energy, often used as a measurement of the amount of energy that food provides

کد: ما باید غذاهای پر کالری بخوریم.

Calories in your food			
92	96	97	100
92	80	91	80
90	60	76	100